

## بازنمایی عنصر شور و احساس در آیین‌های محرم

دکتر الله کرم کرمی پور\*

عبدالحسین حاجی ابوالحسنی\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر، به روش کیفی، مبتنی بر نظریه تفسیری کلیفورد گیرتز انجام گرفته. مسئله اصلی در این پژوهش، توصیف عناصر شور و احساس در مناسک محرم، با تأکید بر فهم چیستی آن در قالب دین زیسته است. واحد تحقیق آن دسته از یافته‌های آیینی است که بیشتر عنصر شور و احساس در آن متجلی است مانند: (سیاه‌پوشی، سینه‌زنی، زنجیرزنی، قمه‌زنی و تعزیه) که محقق آنها را به شیوه قوم‌نگاری دینی بازنمایی نموده است. راه رسیدن به چنین هدفی ساده نبود، بلکه مستلزم انتخاب روشی پیچیده و ترکیبی بود که محقق را واداشت به روش مشاهده مشارکتی و مصاحبه با پیشکسوتان آیین محرم به گفتگو بنشیند. در فرایند تجزیه و تحلیل یافته‌های ذکر شده به شکل تفسیری، پژوهشگر به شرح این واقعیت پرداخته که آیین محرم بازتولیدکننده هویت دینی و فرهنگی بوده است، و آیین‌ها، همان باور دینی مناسک‌گزارانند که به عینیت درآمده. حاصل مصاحبه‌ها و نتیجه مشاهده محقق نشان داد که شور، احساس، و حرکت به‌عنوان روح مناسک‌اند، و طبیعت آیین محرم متمایل به محاکات و دیده شدن است. نتیجه به دست آمده ثابت کرد که آیین محرم از یک طرف، مؤلفه‌هایی هویت‌ساز و تقویت‌کننده ساخت اجتماعی‌اند، که توانسته‌اند در بازتولید روحیه، ارتباطات جمعی، روابط درون‌گروهی، پیوندهای اجتماعی، آگاهی جمعی، و بازسازی باورهای دینی نقش‌آفرینی کنند، و از طرف دیگر، پیونددهنده گذشته و حال بوده‌اند. محقق در پایان به این جمع‌بندی رسیده که فهم رابطه شور و احساس در مناسک و آیین دینی راه رسیدن به حقیقت دین را هموار خواهد کرد. واژگان کلیدی: دین‌پژوهی، آیین محرم، نماد، تفسیر‌گرایی، کلیفورد گیرتز.

## مقدمه

در این مقاله کوشیده شده رابطه‌های درونی آیین محرم «به مثابه نظامی فرهنگی»، به روش انسان‌شناسی تفسیری<sup>۱</sup> تبیین شود. این روش در جایی به کار گرفته می‌شود که مناسکی شدن دین، فهم سطحی از دین را بر نمی‌تابد، و به تناسب پیچیدگی آیین، مقتضی فهم فرایندی از دین شده باشد. دین‌پژوهی سطحی‌نگر در چنین مواردی، جایش را به روش ترکیبی، و عمیق‌تر واگذار می‌کند. در این فرض، بازنمایی «شور» و «احساس» در آیین‌های محرم نیازمند نگاهی درونی<sup>۲</sup> به روابط پیچیده مناسک در چارچوب فرهنگ سوگ است. در این روش «فهم نظام فرهنگی نیازمند فهم معانی نشانه،<sup>۳</sup> نماد،<sup>۴</sup> نص،<sup>۵</sup> فحوها،<sup>۶</sup> و ارتباطها<sup>۷</sup> است» (گیرتز،<sup>۸</sup> ۱۹۷۳، ص ۸۹). نگرشی نظام‌مند و فرهنگی به آیین از این روست که «واژه فرهنگ اشاره دارد به طیف وسیعی از چیزها و اغلب در یک زمان به همه آنها» (همان، ص ۹۰). از جمله این چیزها نماد است که بدون فهم نمادی و تفسیری از رابطه‌های موجود میان آنها عناصر اساسی مناسک محرم به درستی شناخته نمی‌شود، زیرا «ویژگی نماد، کالبدبخشی به باور، گرایش، قضاوت، تعلق و عقاید است» (همان، ص ۹۱). و چنین تفسیری از مناسک یعنی «ما پیوسته اصطلاحات نمادی را به کار می‌بریم تا مفاهیمی را نمودار سازیم که نمی‌توانیم تعریف کنیم یا به‌طور کامل آنها را بفهمیم» (آقاجانی و جعفرزاده، ۱۳۹۱، ص ۴۴). شناخت آیین نیازمند فهم معانی و کشف ارتباطات میان عناصر فرهنگ محرم به شیوه تفسیری برای بازنمایی است و «نماد، نماینده چیزی بیش از معنای آشکار و بلافصل است» (همان) و چون «نمادها کلید ادراک زندگی فرهنگی هستند» (مور،<sup>۹</sup> به نقل از آقاجانی، ۱۳۹۱، ص ۵۵) و چون که «یک علامت تنها یک معنا دارد، اما یک رمز با استعداد تنوع پذیری اش مشخص می‌شود» (آوینی، ۱۳۷۲، ص ۶-۱۲)؛ در نتیجه این رویکرد ظرفیت تبیین معانی مناسک عاشورا را دارد و به نظر ویکتور ترنر:<sup>۱۰</sup> «نمادها چندوجهی<sup>۱۱</sup> یا چندصدایی<sup>۱۲</sup> هستند» (ترنر، ۱۹۶۹، ص ۴۱) همان‌طور که گیرتز بر این باور است که: «کاری که من می‌کنم در واقع نوعی هرمنوتیک فرهنگی است» (گیرتز، ۱۹۷۱، ص ۵). با چنین اقتضایی نظریه انسان‌شناسی تفسیری گیرتز به منظور کشف و تفسیر معانی نهفته در مناسک دینی محرم برگزیده شد.

1. Interpretive Anthropology  
3. Sign  
5. Denotation  
7. Communications  
9. Jerry, D. Moore  
11. Polysemy

2. Emic  
4. Symbol  
6. Significations  
8. Clifford Geertz  
10. Turner Victor W.  
12. Multivocality

### بیان مسئله

چگونه آیین محرم قابل بازنمایی است؟ نقش عناصر (شور) و (احساس) در آیین چیست؟ آیا با فهم عنصر «شور» و «احساس» در آیین محرم می‌توان به حقیقت دین رسید؟ در این تحقیق آیین در قالب انسان‌شناسی دین و با روش «تفسیرگرایی» بررسی شده است. به نظر می‌رسد فهم معنای واقعی آیین، از راه دستیابی به باور و اندیشه‌ای ممکن می‌شود، که در پس آیین نهفته است. در چنین حالتی مطالعه مناسک به شیوه تفسیرگرایی و هرمنوتیک فرهنگی؛ دستیابی به معنای اصلی مناسک و رسیدن به گوهر دین، را فراهم خواهد ساخت، به دلیل اینکه همه اندیشه و ذهنیت مناسک‌گزار در آیین به عینیت و عمل رسیده و در نتیجه می‌توان گفت مناسک تبدیل به (دین زیسته)ی قابل مشاهده، و اندازه‌گیری شده است. روشن است که روش تفسیری با روش پوزیتیویستی<sup>۱</sup> به‌طور کامل متفاوت است، روش تحقیق این مقاله روشی هرمنوتیکال و تفسیرگرا است، که محقق با معناکاوی اش دستاورد تفهیمی خودش از آیین را بازنمایی می‌کند.<sup>۲</sup> در این روش تا حدّ ممکن محقق باید خود را به دیدگاه و باور کارگزار نزدیک کند، تا جایی که گویی مشاهده عمل آیینی و مناسک برای فهم معنای آن کافی نیست و لازم است محقق تا اندازه‌ای در آیین مشارکت و حضور نیز داشته باشد. در این حالت، گویی محقق حس کارگزار را به خود می‌گیرد و از این طریق می‌تواند کنش‌های آیینی را به شکل عمیق توصیف و تبیین کند. بدین منظور در دین‌پژوهی طیفی از روش‌های تکاملی، فلسفی، تاریخی، تاکنون به کار گرفته شده، اما انسان‌شناسی تفسیری روشی است که در آن، مناسک پلی برای شناخت دین فرض می‌شود و در واقع مناسک محرم جزء کنش‌های جمعی نوستالژیک،<sup>۳</sup> سرشار از عاطفه و روح‌افزا، و آمیخته با عناصر «شور» و «احساس» بوده، و جایگاه ویژه در آیینی دارد که هر ساله در بازه زمانی معین انجام می‌شود. کشف معنای مناسک که با نگاه روین قابل فهم نیست با رویکرد معناکاوانه، و دستیابی به نوعی فهم

۱. در این مقاله روش اثبات‌گرایان (پوزیتیویست‌ها) مورد نظر نویسنده نیست؛ زیرا آن روش در تحقیقات علوم طبیعی به کار می‌رود و در فهم آیین و مناسک محرم باید به دنبال روش کیفی بود. در علوم انسانی قواعد قطعی، در اختیار نیست، از این رو باید کنش‌های عاملان حوادث را دریافت و با کشف اغراض و مقاصد و نیت‌های آنها و نیز شخصیت و ویژگی‌های فردیشان، اسباب کنش‌های آنان را شناخت. از این جهت حوادث انسانی برخلاف حوادث طبیعی، درون و باطنی دارد که قابلیت فهم دارد (ریکور، به نقل از پورحسن، ۱۳۹۲، ص ۲۵۱).

۲. در اینجا منظورمان از هرمنوتیک، هرمنوتیک روشی است که در آن بحث از معنا و معناداری است که پیشگامان این نظریه (شلایرماخر، ویر، دیلتای، بتی و هیرش) هستند و سروکار مفسر را با متن می‌دانند و در اینجا چون از زاویه روش تفسیری کلیفورد گیرتز به مناسک می‌نگیریم وی مناسک و آیین را به مثابه «متن» قابل خوانش و تفسیر می‌داند. نه هرمنوتیک فلسفی (هایدگر و گادامر) که به هستی‌شناسی فهم و تفسیر پرداخته، و نه هرمنوتیک انتقادی (هابرماس) هیچ کدام مورد نظر نیست.

۳. (Nostalgic)؛ تعلق خاطر به گذشته‌ها (جعفری، ۱۳۷۶)، فرهنگ نشر نو، تهران: فاخته) نوستالژی احساس آرزومندی عاطفی و احساس گرمی نسبت به موقعیت گذشته است که نتایج بسیار مثبتی را برای افراد به همراه دارد، هیجان و هم زمان وقار را افزایش می‌دهد. با ایجاد ارتباط بین گذشته و حال به زندگی معنا می‌بخشد (دانشنامه آزاد).

هر منوتیکال از مناسک حاصل خواهد شد. واحدهای این تحقیق برخی از منسک‌های شورانگیز، و احساس‌آفرین محرم است که باید دانسته شود، چگونه این آیین، جماعت‌واره‌های پرشماری را از حاشیه به متن آورده، و چه نقشی در حرکت بخشیدن، نیرومندسازی، و زندگی بخشیدن به آنها داشته و در تقویت هویت نسلی چگونه عمل می‌کند.

### پیشینه تحقیق

پیش از این کتاب مناسک عزاداری محرم در دو جلد با عنوان (مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی) (رحمانی، ۱۳۹۲)، با نگاه جامعه‌شناختی به آیین و آیین‌سازی و دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی آن در چارچوب نظریه‌های رایج دین‌پژوهی در ایران پرداخته است. در کتاب تغییرات مناسک عزاداری محرم<sup>۱</sup> (انسان‌شناسی مناسک عزاداری محرم) (رحمانی، ۱۳۹۲)، نویسنده به کارکرد دین (به مثابه امر اجتماعی) از نگاه دورکیم،<sup>۲</sup> و (به مثابه نظام فرهنگی) از نگاه گیرتز، به بررسی‌های تاریخی نمونه‌هایی از موارد مشابه سوگواری و نمایش و جشن‌های اجتماعی) پرداخته و کارکردهای اجتماعی مناسک محرم را بررسی کرده است. همچنین کتاب «عاشورا مناسک معنا» (کاهیرده، ۱۳۹۴)، مجموعه مقالاتی جامعه‌شناختی پیرامون مهم‌ترین مناسک معنابخش است که، حیات شیعیان از جنبه جامعه‌شناختی را بررسی کرده است. تاریخ‌نمایش، تناثر و اسطوره در عهد باستان (راهگانی، ۱۳۸۸)، و «تعزیه» (بشیر، ۱۳۹۰) در تبیین ماهیت تعزیه به‌عنوان عنصری از عناصر مناسک عاشورا است. مقالاتی همچون تحلیل گونه‌های گفتمانی متأثر از محتوای مناسک عاشورا (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹). تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا (جمشیدیها و قبادی، ۱۳۸۶)؛ که در آن مفاهیمی همچون کنش اجتماعی، مراسم عاشورا، و کارکردهای اجتماعی را بحث کرده است و در نهایت مقاله روش و رویکرد کلیفورد گیرتز درباره دین و فرهنگ (کرمی‌پور، ۱۳۹۰)، مروری بر روش و رویکرد کلیفورد گیرتز در باب دین و فرهنگ است.

پایان‌نامه‌هایی در این زمینه نوشته شده مانند: مطالعه تغییرات مناسک عزاداری محرم شهرستان طبس، در سه دهه گذشته (۱۳۶۰-۱۳۹۰ ش) (مرادی، ۱۳۹۲) محقق با انجام پژوهشی کیفی مردم‌نگارانه و با استفاده از روش‌های مصاحبه، مشاهده و مطالعه اسنادی به این امر پرداخته است. داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش با روش توصیف غلیظ گیرتز مورد تحلیل قرار گرفته است. تحلیل و بررسی نمادهای تصویری عزاداری در دوره صفوی و قاجار (خدابخشی، ۱۳۹۲)،

۱. محرم ماه اول از سال هجری قمری که به شهرالحرام و محرم‌الحرام نیز مشهور است، این ماه را برای آن محرم گفته‌اند که عرب در این ماه جنگ کردن را حرام می‌دانستند (عمید). ماهی است که در روز دهم آن (عاشورا) امام حسین علیه السلام در کربلا به سال ۶۱ق، به شهادت رسید.

جامعه‌شناسی پدیداری مناسک عزاداری در مشهد (حسن‌زاده اصفهانی، ۱۳۸۸)، بررسی مناسک عزاداری محرم در اجتماعات مذهبی از دیدگاه پدیدارشناسی موضوع این تحقیق است که با مطالعه موردی دو اجتماع مذهبی در شهر مشهد انجام شده است. بررسی کفایت تبیینی نظریات امیل دورکیم و پیتر ال برگر در مورد رفتارهای مذهبی، به‌خصوص مراسم عاشورای شهر رشت در محرم سال ۱۳۸۳ (قربان‌علی‌پور، ۱۳۸۵). درباره برخی نظریات جامعه‌شناسانه در تبیین مراسم و مناسک مذهبی از جمله مراسم مذهبی عزاداری محرم تحقیق شده است.

در برخی از آثار ذکر شده به موضوع هیئت، مدّاح، وجدان جمعی، آیین‌سازی و جنبه‌های مختلفی از آیین محرم پرداخته شده، و نقش عزاداری را در جامعه بررسی کرده‌اند؛ اما رویکردهای متفاوتی به مناسک دارند مانند: ۱. رویکرد جامعه‌شناختی به مناسک (دین به مثابه امر اجتماعی) و (تغییرات در مناسک)؛ ۲. رویکرد انسان‌شناختی فرهنگی (دین به مثابه نظام فرهنگی) با صبغه تاریخی؛ ۳. معرفت‌شناختی (ماهیت تعزیه)؛ ۴. رویکرد پدیدارشناختی. با وجود یکسانی شیوه انسان‌شناسی در برخی از آثار ذکر شده با روش مقاله حاضر، اما نگاه به مناسک از منظر نظام فرهنگی (با صبغه تفسیری) نگاهی نو و متفاوت، و نوعی آنالیز علمی از مناسک محرم در قالب نظریه انسان‌شناسی تفسیری کلیفورد گیرتز همراه با مشاهده مشارکتی و مصاحبه است که پژوهشگر مدت زمان طولانی در میان مناسک‌گزاران زیسته، و حتی در مناسک مورد پژوهش مشارکت کرده و با ارائه توصیف عمیق مناسک محرم را مورد کنکاش علمی قرار داده است و به دنبال نگاهی تفسیری و معناکاوانه به آیین محرم و مؤلفه‌ها و کارکردهای شورانگیز و احساسی آن بوده است و این ویژگی مقاله پیش روست که در تحقیقات پیشین به چشم نمی‌خورد.

### چارچوب مفهومی

با عنایت به مطالعه کنش‌های اجتماعی «معنادار»<sup>۱</sup> در این تحقیق، از میان دیدگاه‌های مختلف اثبات‌گرایی، انتقادی و «تفسیرگرایی»، محقق سؤمین دیدگاه را به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق برگزیده است. در این چارچوب، به آیین محرم که «یک تحلیل منسجم و سازمان‌یافته از کنش اجتماعی معنادار است، از طریق مشاهده مستقیم و دقیق رفتار مردم در شرایط طبیعی، برای فهم و تفسیر این نکته که چگونه مردم دنیای اجتماعی خودشان را می‌آفرینند و به آن معنا می‌بخشند» (نیومن،<sup>۲</sup> ۱۹۹۷، ص ۶۸، به نقل از بلیکی،<sup>۳</sup> ۱۳۹۳، ص ۳۲) نگریسته می‌شود. هدف این تحقیق بازنمایی عنصر شور و احساس در مناسک محرم است، و رسیدن به چنین مقصدی بدون شناخت

1. meaningful social action

2. Neuman, W. L.

3. Blaikie, Norman W. H.

نظام بازنمایی آن بی‌نتیجه است. چارچوب مفهومی در این بازنمایی نمی‌تواند به صورت سطحی‌نگر باشد، و به نظامی پیچیده و ترکیبی برای بازنمایی واقع‌گرایانه و به صورت فرایندی نیازمند است و چون نظام فرهنگی مناسک مشتمل بر نماد، اسطوره، و نشانه است و همه را با هم در خود جا داده، از این‌رو فهم چنین کنشی نیازمند «فهم فرایندی» و نظام‌مند خواهد بود. پس نظریه انسان‌شناسی تفسیری گیرتر که در آن به «توصیف عمیق» اهمیت داده می‌شود، مبنای تجزیه و تحلیل آیین محرم قرار گرفت. در فهم فرایندی محقق آیین را به مثابه متنی مورد خوانش قرار می‌دهد. سپس متن (آیین) در فرایندی دیالکتیکی و برهم‌کنشی متشکل از (خوانش‌های پیاپی و مستمر) اجزای پنهان و نهفته در متن مناسک (کنش‌های نمادین) بر پژوهشگر آشکار می‌شود. محقق با مشاهده جزئیات رفتارهای کنشگران و آشنایی بیشتر با معنای اجزا و ابعاد تشکیل‌دهنده یک آیین، معنای کنش‌های نمادین آنان را کشف می‌کند و با تجزیه و تحلیل مناسک و آیین محرم از طریق مشاهده و مشارکت در انجام آن ادراک لازم و فهم عمیقی از آیین به دست می‌آورد.

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش کیفی، و به کمک مشاهده<sup>۱</sup> مشارکتی، با ابزار مصاحبه، و با تأکید بر رویکرد تفسیری گیرتر انجام یافته است. در این روش اجزای آیین محرم نظام‌مند و همچون فرهنگ تلقی می‌شود، در نتیجه به شکل انتزاعی و منفرد قابل تفسیر نیست، بلکه در فهم و تفسیر فرهنگ اجزای آن باید طی فرایند و نظام معنایی خاص به دست آید (فکوهی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴-۲۵۶). در واقع دین در قالب آیین و به شکل عینیت‌یافته قابل مشاهده و تفسیر است و برای رسیدن به معناداری آن باید عمل از زاویه عاملش نگریسته شود. با توجه به اینکه فعل از فاعل جدا نیست و فهم فعل بدون فهم فاعل، ناقص است، پس فهم مناسک محرم نیز نمی‌تواند صرف توصیف فعل باشد و در واقع مناسک محرم که احساس جمعی را در قالب مفاهیم می‌ریزد و موجب پیدایش جلوه‌های زیباشناختی بی‌نظیری در مراسم محرم می‌شود و بخش کوچکی از آن نمایش اخوت، وفا، مرورت، صداقت، هم‌ذات‌پنداری، تسلی‌دادن، غریب‌دوستی، یاوری مظلوم، بیزاری از ظالم و شکل زنده حیات دین در جامعه است، بدون تفسیر قابل درک نیست. به‌خاطر این پیچیدگی در فهم معنای آیین و مناسک است که فهم مناسک را فهمی فرایندی کرده است و به‌طور دقیق بدین خاطر روش «تفسیری» را برگزیدیم.

در این مقاله تبیین علی<sup>۲</sup> مناسک محرم مقصود محقق نیست، بلکه در پی توضیح<sup>۳</sup> عناصر شور

1. Observation

۲. (explanation). «تحقیق کمی در صدد تبیین علی است» (فراستخواه، ۱۳۹۵، ص ۴۱).

۳. (exploration). «تحقیق کیفی تمنای فهم و توصیف و در نهایت اکتشاف و توضیح امور را دارد» (همان).

و احساس در مناسک محرم و «قرائتی تفسیری از مناسک» است. با وجود پاره‌ای از تحلیل‌های مردم‌شناسانه و تکنوگاری‌های انجام شده که در ویژگی‌ها، با مقاله حاضر مشترک بوده‌اند، اما آنها کمتر به شکل تحقیق کیفی، انسان‌شناسی و تفسیری به مناسک نگریسته‌اند و به‌طور کلی در این پژوهش از ابزارهای تحلیل کیفی مانند مصاحبه «نیمه ساخت‌یافته»<sup>۱</sup>، مشاهده مشارکتی،<sup>۲</sup> و گفتگوهای فردی و گروهی استفاده کرده‌ایم. در این تحقیق که در جغرافیای مذهبی استان اصفهان، از شهرهای مختلف مانند خمینی شهر، فلاورجان، قهدریجان، پیربکران، کلیشاد و سودرجان، درجه و نیز شهر اصفهان، همچنین از استان‌های همجوار مانند مرکزی و شهر اراک، و استان قم از میان افرادی که خودشان تجربه آیین شورانگیز محرم (تعزیه، سینه‌زنی حلقوی (چلاب)، آیین خون‌ریز، زنجیرزنی، و مانند آن) را داشته‌اند مورد پرسش واقع شده‌اند و عین گفته‌های آنان بدون دست‌کاری و به رسم امانت (از روی فایل صوتی ضبط شده) پیاده شده و سپس با در نظر گرفتن همه قرائن (حالیه و مقالیه) مربوط به مصاحبه‌شوندگان، مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. محقق خود با فرهنگ مصاحبه‌شوندگان آشنایی دیرینه دارد، و این آشنایی محقق در فهم مناسک و مقاصد آیین‌گزاران از انجام آیین و مناسک و در نتیجه توصیف آیین‌ها، کمک کرده است. لازم به ذکر است، با توجه به این حقیقت که ویژگی مناسک به جا آوردن آن به شکل گروهی و جمعی است و به‌طور معمول اعضای دسته، گروه و هیئت‌هایی که برگزار کننده مراسم و مناسک شورانگیز هستند در انگیزه‌ها مشترکند و عمده آنها از سردسته، میاندار و یا از پیشکسوت خود تبعیت می‌کنند و با او هم‌عقیده هستند، محقق تلاش کرده تا با صاحب‌منصبان (اتوریت‌ها)، سرگروه‌های آیین خون‌ریز، تعزیه‌خوانان، زنجیرزان و بانیان چنین مراسم عزاداری گفتگو و مصاحبه داشته باشد و از آن طریق به فهم مقاصدشان دسترسی یابد. در رسیدن به این هدف محقق با مشکلات و خطرات زیادی روبه‌رو بوده است. مشکل دستیابی به آیین خون‌ریز و افراد آن. مشکل راستی‌آزمایی سخنان گفته شده. مشکل مخفی نکردن احساس واقعی و قصد واقعیشان در هنگام بیان. به‌خاطر اینکه تا هنگامی که چنین افرادی احساس امنیت، رفاقت، خودی بودن و همدلی را نداشته باشند حاضر به بیان احساس شخصی خود در این آیین نیستند. حتی اگر احساس کنند محقق قصدش مخالفت با آیین‌های آنهاست سخنانشان سویه‌ای تقيه‌آمیز یا غیرواقعی به خود می‌گیرد و در آن صورت با چنین مصاحبه‌هایی در چنان فضای غیرهمدلانه محقق به واقعیت‌ها نخواهد رسید و سخنان مصاحبه‌شوندگان نشان از معنای واقعی اعمال و رفتار آنان ندارد.

۱. نک. (فلیک Flick, Uwe، به نقل از جلیلی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳).

۲. نک. (همان، ص ۲۴۴) که می‌نویسد: مشاهده همراه با مشارکت را می‌توان استراتژی برای مطالعه میدان تعریف کرد که هم‌زمان تحلیل اسناد و مدارک، مصاحبه با پاسخگویان و افراد مطلع، مشارکت و مشاهده مستقیم و درون‌نگری (Introspection) را با یکدیگر تلفیق می‌کنند (دنزین، ۱۹۹۶، ۱۵۷-۱۵۸) به نقل از فلیک، ۱۳۹۲، ص ۲۴۴.

### یافته‌های تحقیق

کشف معنای مناسک محرم با رویکرد انسان‌شناسی تفسیری به معنای نزدیک شدن به جهان زیست‌های عزاداران محرم است.<sup>۱</sup> از جمله پارامترهای معنادار این جهان زیست، سهمی است که رنگ‌ها در القای معانی در فرهنگ به عهده می‌گیرند. رنگ‌ها در مناسک محرم نمادهایی هستند سرشار از مفاهیم و معانی قابل تفسیر که در جای خود تبیین خواهد شد. و به گفته گیتز چنین نگرش معناگرایانه به فرهنگ در میان مردم مالزی نیز مرسوم است مثل «ابر سیاه نشانه آمدن باران، پرچم قرمز نشانه خطر، بیرق سفید<sup>۲</sup> نشانه تسلیم، عدد شش<sup>۳</sup>، صلیب<sup>۴</sup> (نماد تجسم رنج و اضطراب، شورینگا)<sup>۵</sup> که هر کدام حامل معانی ویژه هستند. (گیتز، ۱۹۷۳، ص ۹۱) و کاربرد معنایی این نمادها از لابه‌لای مناسک آشکار می‌شود. در زیر به برخی از یافته‌های مشاهده شده تحقیق به اختصار می‌پردازیم.

### سیاه‌پوشی

استفاده از برخی رنگ‌ها، کنشی نمادین و معنادار است. درباره کارکرد نماد در دین، گیتز می‌گوید: «نمادهای دینی تجانس و تناسبی بین سبک خاصی از زندگی و متافیزیک مشخصی را فراهم می‌کنند» (گیتز، ۱۹۷۳، ص ۹۰). مناسک محرم آمیخته با رنگ‌ها، از جمله رنگ سیاه، قرمز، سفید و سبز است.<sup>۶</sup> رنگ سیاه حتی در میان پیروان ادیان دیگر نیز به معنای سوگواری است. به گفته ترنر در کتاب کشف و الوهیت در مراسم ندمبو<sup>۷</sup> رنگ سیاه نماد «بدشانسی<sup>۸</sup> یا مرگ<sup>۹</sup>» (ترنر، ۱۹۷۵، ص ۶۱)<sup>۱۰</sup> و سختی<sup>۱۱</sup> است (همان، ص ۷۸). سیاه‌پوشی گاه پیش از ماه محرم

۱. مطابق چارچوب نظری ترنر «برخی مفاهیم نمادین می‌توانند بخشی از یک فهرست روان-زیست‌شناختی جهانی باشند. برای نمونه رنگ‌های، سرخ، سفید و سیاه در بسیاری از فرهنگ‌ها به همان معانی مشابه موجود در فرهنگ‌ها، از جمله ندمبو، بودند (فکوهی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

۲. (نک) ترنر، ۱۹۷۵، ص ۱۵۲ و ۲۳۹ و ۳۱۲ و ۳۳۲ باورهایی که رنگ سیاه دارند را ذکر کرده است.

۳. عدد شش «نوشته شده، تصویر، به‌عنوان یک ردیف سنگ گذاشته و یا حتی به نوار برنامه‌ای از کامپیوتر پانچ شده، یک نماد است».

4. Cross

۵. شتره‌لو می‌نویسد: واژه «شورینگا» Churinga یا «تورونگا» در نزد افراد قبیله آرونتا معنایی بسیار نزدیک به مفاهیم واکان یا مانا است. به گفته سپنسر و گیلن، این اصطلاح بیانگر «هر چیز راز آمیز و مقدس است». نیرو، قدرت «قدرت جادویی برخاسته از اشیایی که شورینگا نامیده می‌شوند». معنای شورینگا به واضیحی مفهوم مانا در ملانزی، یا مفهوم واکان در بین قبیله سیو، در استرالیا نیست (دورکیم، ۱۳۹۳، ص ۲۷۰).

۶. قرمز، سفید و سیاه نماد هستند. قرمز نشان شجاعت، سفید نشان خلوص و پاکی و سیاه ثبات اراده.

7. Ndembu

۸. بدشانسی (malwa) bad luck . ۹. مرگ (ku-fwa) death .

10. Victor Turner

۱۱. مشکل (trouble).



شروع و تا بعد از ماه صفر و حتی ابتدای ماه ربیع الاول یعنی بیشتر از دو ماه ادامه دارد. سیاه‌پوشی تنها به لباس سیاه‌پوشیدن نیست، بلکه، همچنین سیاه‌پوشی حسینه‌ها، تکیه‌ها، مسجدها، پرچم عتبات، بقاع متبرکه، نصب بیرق و پارچه نوشته بالای درب منازل، مغازه‌های بازار، ادارات، وسایل نقلیه، بستن عَلم سیاه و همه این موارد در محرم به معنای نماد ورود ماه عزاداری و سوگ است. سیاه‌پوشی آغاز آیین شورانگیز محرم است، و نشان از (شریک غم بودن) و (هم‌ذات پنداری) دارد و چنین فرهنگ معناداری از طریق «انسان‌شناسی نمادی که کارش درک فرهنگ از طریق نمادهای آن است» (گوردون،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱، به نقل از فکوهی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲) قابل فهم خواهد بود. سیاه‌پوشی کنشی آگاهانه، به قصد سوگ، اعلام همبستگی در واقعه غم‌انگیز عاشورا، و نشان دادن احساس همدردی با دیگران است. معنایی را که مناسک‌گزار محرم با پوشیدن لباس سیاه نشان می‌دهد با هیچ وسیله دیگری قابل انعکاس و بازنمایی نیست. سیاه‌پوشی نشان از گرایش فکری، احساس جمعی، باور به حقیقت تاریخی رخداد عاشورا، بی‌زاری نسبت به کش‌های ظالمانه، و جدا دانستن خویش از گروه ظالمان، و درنهایت نشان و مؤلفه هویت‌ساز مناسک‌گزاران است.

### سینه‌زنی

آنچه که با مشاهده و ثبت گفته‌های مناسک‌گزاران به دست آمده است دلالت دارد که سینه‌زنی فراتر از آن چیزی است که در ظاهر دیده می‌شود و هنگامی که با «نگاه عمیق» به این منسک می‌نگریم درمی‌یابیم که سینه‌زنی کنشی نمادی و معنادار شامل طیفی از معانی مختلف است. سینه‌زدن اولین و طبیعی‌ترین کنشی است که انسان ماتم‌زده از خود نشان می‌دهد. طبیعت ماتم چنین است که برای مصیبت‌زده شور درونی ایجاد می‌کند. شخص مصیبت‌دیده تلاطمی در سراسر وجودش احساس می‌کند و از این رو سکون و آرامش بیرونی‌اش نیز تحت تأثیر درونش، شوریده و بی‌قرار می‌گردد. در نتیجه، شخص هنگام داغ، به جنب‌وجوش آمده و به مانند آتشفشان، گداخته‌های آتشین درونش را در قالب کوفتن دست بر سر و سینه و زمزمه حزینش راهی بیرون می‌کند، و به همراهی حرکات دست و زبان، ناآرامی‌های درونش را بیرون می‌ریزد و سینه‌کوبیدن طبیعی‌ترین راه تخلیه فشار درون است. از مشاهده حالات سینه‌زنان چنین به دست می‌آید که سینه‌زنی عبارت است از:

۱. تخلیه روحی؛ سینه‌زنی نوعی کنش مشترک متقابل و نمادین و «احساس جمعی» شورآفرینی است که با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل، گروه را به اوج هیجان و احساس جمعی رسانده، و با به حرکت درآوردن فرد حالات فشرده‌اش را تخلیه می‌کند؛

1. Gordon, Robert J.

۲. هم‌گرایی ارگانیک؛ سینه‌زدن، در ماتم اسطوره‌ای مشترک، احساس تعلق یکسان به جمع را فراهم می‌کند؛
۳. حالت تأثر؛ سینه‌زنی بیانگر حالت تأثر فرد کنشگر در آیین محرم است.

### سینه‌زنی حلقوی (چلاب)

گونه‌ای از آیین محرم یافت می‌شود که فراگیر نیست، از جمله این آیین محرمی سینه‌زنی حلقوی (چلاب) است، و چون سبک و بافت ویژه‌ای دارد، در نتیجه مشابه دیگر آیین نیست. در سینه‌زنی حلقوی حرکتی منظم، آهنگین، هم‌شکل، سوگ‌ساز، اثرگذار و شورانگیز وجود دارد که به مناسک<sup>۱</sup> محرم شور و احساسی ویژه می‌بخشد. موسیقی طبیعی و حزن‌آور و نوای هم‌آهنگ و ریتمیک<sup>۲</sup> سینه‌زنان در این آیین جذبه‌ای ایجاد می‌کنند که گام به گام آنها را به جنب‌وجوش، و شرکت در حلقه آیینی تشویق می‌کند. این کنش جمعی پرجاذبه نوعی هم‌آهنگی، هم‌نوایی و یکی‌شدن به وجود می‌آورد که خاصیت هویت‌بخشی دینی و انسجام جمعی در آن مشاهده می‌شود و طی این فرایند، که گویی «هویت افراد با عضویت آنان در گروهشان تعیین می‌شود» (فی، ۱۹۹۶، به نقل از مردیها، ۱۳۸۹، ص ۹۸). در نتیجه «در جریان مناسک عاشورا، به واسطه عمل دینی که همان عزاداری است، احساس مستقیمی از ذات دین به مؤمنان عزادار دست می‌دهد که با اشتراک گذاشته‌شدن آن در میان جمع، تقویت و بازتولید می‌شود. زیرا افراد جامعه از راه کنش مشترک می‌توانند از خود، آگاهی یابند و وجود خود را تثبیت کنند» (کاهیرده، ۱۳۹۴، ص ۴۱). سینه‌زنی چلاب آمیخته با هنر و عرفان است و تأثیر «هنر به‌ویژه موسیقی و نمایش، سهم عمده‌ای در ایجاد فضای مناسکی دارد» (همان). شور و احساس خلق‌شده به شکل پلکانی در این مناسک طی یک فرایند نمایشی و هنری مشتمل بر نوا و نما پدیدار می‌شود که از تکرار حرکاتی منظم ایجاد می‌شود، از این‌رو به گفته کاهیرده «سینه‌زنی حلقوی به‌شدت موسیقایی است، و به‌طور عمیق با شور و احساس سینه‌زنان گره خورده است» (کاهیرده، ۱۳۹۴، ص ۴۲). این سبک تأثیرگذار و شورانگیز، خالی از هرگونه موسیقی ابزاری است و افراد با همدیگر هم‌آهنگ، هم‌نوا، هم‌گام شده و به حسی مشترک می‌رسند. مشابه چنین مناسکی هرچند در دیگر ادیان و مذاهب و فرقه‌ها وجود دارد، اما تفاوت اساسی این سبک سینه‌زنی با موارد مشابه در خودجوش بودن، سادگی، معناداری، واقعی بودن و همگانی بودن آن است و از همه مهم‌تر،

۱. هرچند آیین (Rites) (حد فاصل بین اندیشه و عمل) و مناسک (Rituals) (خود عمل) دو واژه جداگانه با دو مفهوم جدا هستند در این پژوهش بیشتر موارد به جای همدیگر به کار رفته‌اند و منظورمان یک چیز است که اشاره دارد به اعمال و افعالی که به نام عزاداری برگزار می‌شود.

۲. Rythme وزن، آهنگ، قاعده، هنجار، روش، عمل یا حرکت متناوب در فاصله‌ای منظم (عمید).

اینکه در سال فقط یکبار انجام می‌شود آن هم روز تاسوعا و عاشورا.<sup>۱</sup> این منسک دینی بدون صدور هیچ دستورالعمل خاص، موقع برگزاری از میان جمعیت به مانند آهن‌ریا، افرادی را که عشق به برگزاری آیین مقدّس<sup>۲</sup> دارند را، به شرکت در حلقه جذب می‌کند و با تکرار منظم و شورانگیز حرکات پا، دست، زبان و حرکت منسجم و منظم دَورانی، موج حلقوی بسته‌شونده و بازشونده را به نمایش می‌گذارد. چنین حرکات موزونی ضمن نیروبخشی به جسم و روح سینه‌زنان، آنها را به حرکت معنادار تکاملی نهفته در ذات این منسک، یعنی توحید و یکی شدن که رسالت آیین مقدّس است وامی‌دارد. با نگاه عمیق به سینه‌زنی چلاب و مشاهده مشارکتی در آن چنین به دست می‌آید که:

۱. در سینه‌زنی حلقوی تأثیر به شکل برهم‌کنشی روی یکدیگر موجب به اوج رسیدن شور و احساس می‌گردد، تا جایی که حرکت سینه‌زدن از آهسته شروع می‌شود و هرچه به اوج سینه‌زدن نزدیک می‌شوند شورانگیزتر شده و ریتم آن تندتر می‌شود تا وقتی بی‌اختیار بر شدت ضربات افزوده می‌شود و این بی‌اختیاری بر اثر تکرار «ذکر» و تکرار «حرکات منظم» ایجاد می‌شود؛<sup>۳</sup>

۲. سینه‌زدن در این حلقه به منزله جایگاه و هویتی مقدّس است که تا مدّتی بر رفتارها و منش‌های کنشگر تأثیر مثبت دارد و احساس می‌کند به نیرویی مقدّس و متافیزیکی نزدیک شده است و همین ویژگی موجب احساس تقرب اوست؛

۳. سینه‌زنی چلاب موجب تخلیه روحی-روانی سینه‌زن شده و به او شور، انرژی و انگیزه قوی‌تری برای زیستن می‌بخشد؛

۴. این آیین سرشار از نظم و هم‌آهنگی، واردین به حلقه را به هم‌نوایی و تکرار ذکر واحد «حُسین» یا ذکر دوتایی «حُسین، حُسین» ملزم می‌کند، و این منسک نوعی «ذکر» مقدّس به حساب می‌آید که در فرقه‌های مذهبی دیگر نیز وجود دارد و کمترین اثر آن حالت تخلیه و پالایش درونی است.

### زنجیرزنی

زنجیرزنی از جمله مناسکی است که «به‌طور مستقیم، احساس و عاطفه افراد را درگیر می‌سازد» (کاهیرده، ۱۳۹۴، ص ۲۳). و به عقیده گیرتز که می‌گوید «مکانیسم ایجادکننده ایمان، مناسک است» (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۲۷۰)<sup>۴</sup> زنجیرزنی به‌عنوان نوعی احساس جمعی برای اهداف متعددی سازماندهی می‌شود:

۱. فراموش نشود که در دهه اول محرم چند بار فقط در خلال عزاداری شبانه در مسجد جدیداً مناسک گزاران آن را تمرین می‌کنند تا اینکه نسل جدید با نسل قدیم انسجامشان را در این مراسم حفظ کنند و بیاموزند که چگونه این مناسک را انجام بدهند به همین مقدار و این کار اصلاً در جایی آموزش داده نمی‌شود و افراد به محض مشاهده و وارد حلقه شدن خود به خود هماهنگ می‌شوند.  
۲. به جا آوردن آیین مقدّس (Sacramentalism).

۳. این حالت، مشابه حالت جذبه و خلسه در آیین خاص در برخی ادیان و مذاهب و فرقه‌های دینی است.

4. Malcolm B. Hamilton

۱. هدف روانی (اثبات خود و تثبیت عقاید)؛  
 ۲. هدف اجتماعی (انسجام و آگاهی جمعی)؛  
 ۳. هدف هنری (نمایش، موسیقایی و شورانگیزی)؛  
 ۴. هدف عاطفی (نوعی نمایش دینداری عاطفی و احساسی است).  
 به دور از نگاه فروکاهشی<sup>۱</sup> به این منسک «زنجیرزنی حرکات ریتمیک دست و پا به اضافه شیپور، سنج، طبل و مانند آنکه نیروزا می‌باشد، شورانگیز و حرکت آفرینند» (کاهیرده، ۱۳۹۴، ص ۴۱).  
 زنجیرزنی عملی سمبولیک با کارکردهای مختلفی است که مطابق به گفته دورکیم درباره مناسک «کارکرد جدی‌تر و دائمی برای برانگیختن آمادگی‌های ذهنی مؤمنان و تقویت حیات اخلاقی و همبستگی جامعه به‌عهده دارد» (همان، ص ۲۳). این احساس جمعی به نمایش درآمده دارای ابعاد گوناگونی مانند: دیداری، شنیداری و مناسکی است که نیازمند لایه‌های مختلفی از تحقیق و پژوهش برای فهم ماهیت و تأثیر آن بر اجتماع می‌باشد. تمرکز بر مسائل مفهومی، نظری و روش‌شناختی در تحقیق درباره احساس و عاطفه جمعی (خلاً موجود میان مطالعات غنی انجام‌شده) مرتبط با پرسش‌هایی درباره احساسات جمعی و فردی است. به نظر می‌رسد بتوان برخی از کارکردهای مناسک زنجیرزنی را چنین برشمرد:

۱. پیوند اجتماعی؛ تأثیر احساسات جمعی بر تجدید علاقه و ارتباط بین افراد و بین جامعه؛
۲. تقویت روابط درون‌گروهی؛
۳. فضاسازی عاطفی مثبت؛ تغییر و تقویت فضای موجود توسط جو عاطفی ایجاد شده در نمایش دینداری عاطفی؛
۴. آگاهی جمعی؛ زنجیرزنی موجب ایجاد آگاهی جمعی و از طرف دیگر تأثیر در جنبه‌های اجتماعی و بین فردی است؛
۵. توسعه تعاملی؛ تقلید و سرایت در تعامل اجتماعی نسبت به احساس جمعی و مشترک به باورها، اهداف، اعمال اجتماعی و بسیج سیاسی است؛
۶. تعامل چهره به چهره؛ زنجیرزنی تأثیر به‌سزایی در تعامل چهره به چهره دارد؛
۷. تأثیر احساس جمعی، در تقویت ارتباطات فردی و جمعی؛
۸. پیامدهای اجتماعی، بر روی احساسات جمعی در سیستم‌های اجتماعی و روابط درون‌گروهی، حرکات و سازمان اجتماعی.

زنجیرزنی در واقع «زبان احساسات» است و موضوع احساسات به‌عنوان فرایندهای زیستی فرهنگی در تعاملات چند جانبه فرهنگ، جامعه و احساسات مطرح است؛ به‌خصوص که به

1. Reductionist

مسائل مربوط به ماهیت و توجیه احساسات فردی و جمعی در مورد رابطه احساسات، ارزش‌ها و هویت؛ و در مورد نقش پدیده‌های عاطفی جمعی در ساختار و پویایی گروه‌های اجتماعی مطرح می‌شود (فان شیو،<sup>۱</sup> ۲۰۱۴). درباره چگونگی تأثیر احساسات و عواطف بر اعتقادات تلاش شده است تا رابطه احساسات با اعتقادات از نگاه روان‌شناختی بیان شود. حاصل چنین تحقیق نشان داده که «احساسات فراهم‌کننده زمینه باور و اندیشه و تهیه‌کننده مواد روان‌شناختی اعتقادات هستند» (فریدا،<sup>۲</sup> ۲۰۰۰). مناسک به مثابه آماده‌سازی زمینه باورمندی شرکت‌کنندگان در فرایند اندیشه دینی بوده است و مناسک‌گزاران را به باورمندی در اعتقادات خود سوق می‌دهد. دسته‌های زنجیرزن در یک هماهنگی زمینه‌ای با دیگر کنشگران برای اعتقاد به ارزش‌ها و اصولی مشترک در یک مراسم جمعی گردهم می‌آیند و تمرین احساس مشترکی را به نمایش می‌گذارند که آنها را در اندیشیدن به یک هدف و یک باور هدایت و کمک می‌کند. در نتیجه احساسات معنی دارند و معناها عاطفی‌اند، و جهان مدرن ما را مجبور به درک احساسات به منظور مقابله با مشکلات می‌کند. همان‌گونه که «تحقیقات علمی به منظور توضیح و مشروعیت بخشیدن به نقش احساسات در تعامل روزمره و فشار زیاد مسائل اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی‌ای انجام می‌شود که ما امروز با آن مواجه‌ایم» (پلانالپ،<sup>۳</sup> ۱۹۹۹).

#### قمه‌زنی<sup>۴</sup>

از جمله آیین خونریزی مشاهده شده در محرم قمه‌زنی است، که امروزه در زمره عزاداری شورانگیز و احساسی مخصوص محرم است. قمه‌زنان خود را «فدوی» امام حسین (علیه السلام) می‌دانند. به جز مشاهده، راه دیگر شناخت این منسک شنیدن از زبان خود قمه‌زنان است که در گفتگو با تعدادی از قمه‌زنان<sup>۵</sup> حس آنان را در انجام این آیین جو یا شدیم که چنین ابراز کرده‌اند:

از سرچشمه احساس شخص قمه‌زن برای تصمیم گرفتنش به عمل قمه‌زنی پرسیدم؟ در پاسخ گفتند: «وقتی روضه‌خوان دارد روضه می‌خواند ما از اول که گریه‌مون نمی‌گیرد. ابتدا در یک حس و حالی می‌رویم و تا آنجا که صحنه قتلگاه و شهادت امام حسین (علیه السلام) را ترسیم می‌کند گریه می‌آید. یا از علی‌اصغر که می‌خواند همین‌طور. محرم از ابتدا که عزاداری شروع می‌شود یواش یواش انسان

1. Von Scheve

2. Frijda, Nico H.

3. Planalp

۴. در اصل قمه زدن که جزء آیین خونریز در میان پیروان برخی ادیان به حساب می‌آید در زمره مناسک و آیین محرم نبوده و نیست و از نظر فقهی، عمده فقها و مراجع دین از جمله مقام معظم رهبری (علیه السلام) جایز نیست و رو به برچیده شدن است و ذکر آن صرفاً به خاطر آن است که معنا و قصد عاملین را دریابیم و در راه چاره‌اندیشی آن بهتر بتوانیم تدبیر بنماییم و چنین شناختی برای پاسخ‌گویی نسبت به مناسک دینی لازم به نظر می‌رسد.

۵. گفتگو با قمه‌زنان از برخی شهرستان‌های استان اصفهان که پیشتر نام برده شد.

یک شور و حالی پیدا می‌کند و روز عاشورا که می‌شود و بادش می‌آید که همچنین روزی امام حسین (علیه السلام) را به شهادت رسانده‌اند و شور و احساساتی به او دست می‌دهد که مثلاً اگر امروز روز عاشورا بود من هم یکی از یاران امام حسین (علیه السلام) می‌بودم. مثل حبیب ابن مظاهر می‌شدم. چنین حسی دست می‌دهد و روز عاشورا اوج این حس خواهد بود، و این حس در طول سال نیست». (نام محفوظ). آمادگی قمه‌زدن به آیین خاصی از جمله «مشق قمه» نیاز دارد، که قمه‌زنان آن را چنین توصیف می‌کنند: «روز عاشورا قبل از قمه‌زنی ابتدا توسط مداح قدری مدّاحی انجام می‌شود، سپس زیارت‌نامه عاشورا قرائت می‌شود و البته در برخی موارد اشعاری هیجانی و شورانگیز و حماسی خوانده می‌شود و پس از آن است که سر دسته شروع می‌کنند به قمه‌زنی» (نام محفوظ).

آیین خاص پیش از قمه‌زنی بستگی به سلیقه و رسوم محلی دارد که بعضی از قمه‌زنان معتقدند: «رسم خاصی در این میان نیست» و چنین می‌افزاید که: «از ۱۲ سالگی قمه می‌زدم، ۳۸ سالم هست، ۷ یا ۸ سال است می‌روم کربلا می‌زنم. اونجا کربلا دیگه بین الحرمین همه این صحنه‌ها در ذهن من هست سقایی، دست ابوالفضل (علیه السلام) قطع شده، امام حسین (علیه السلام) را می‌بینم، علی اصغر (علیه السلام) را می‌بینم، تلّ زینییه، و گودال قتلگاه را می‌بینم، تصور می‌کند صحنه‌ها را برای خودش» و آن حس خاص از محیط به او منتقل می‌شود.

در گفتگوی با قمه‌زنان چنین برآورد می‌شود که ایجاد شور و احساس دستوری و آمرانه نیست، بلکه برانگیختگی، حاصل تأثیر شرایط محیطی دیداری و یا شنیداری و یا هر دو است: «اصلاً نمی‌شود شخص را به زور ببریم زنجیر و سینه بزند. سینه و زنجیر انسان یک غروری دارد، همین‌طور که زنجیر می‌زنه غرورش را بشکند و برود زنجیر بزند. من فلانیم، نباید برود زنجیر بزند؛ یعنی امام حسین (علیه السلام) را بالاتر از خودش بگیرد. مشاهده‌گران درک حس ما را نمی‌کنند آن حسی که حسینی می‌شویم. اول باید برای امام حسین (علیه السلام) شخص خودش را کوچک کند تا بتواند عزاداری کند».

قمه‌زنان نحوه انتقال این احساس را چنین توصیف می‌کنند: «درون انسان است این احساس. من وقتی بچه بودم می‌رفتم می‌دیدم قمه می‌زنند می‌ترسیدم. آرام آرام رفتم در هیئتی که روضه می‌خوندند و سینه می‌زدند، قمه نزدم. بعد احساس کردم آگه قمه نزنم نسبت به امام حسین (علیه السلام) دارم کوتاهی می‌کنم من هم باید قمه بزنم تا بگویم این دین را انجام داده‌ام».

در نتیجه عمل قمه‌زدن از نگاه خودشان یک «حس مقدّس»، یک «دین»، و حتی «نذر» است. یا خودش نذر کرده قمه بزند، یا والدینشان نذر کرده‌اند که فرزندشان قمه بزند. فارغ از حکم شرعی این عمل، اما؛ مقوم اعمال اجتماعی، معنایی است که فاعلان بدان اعمال می‌بخشند و «در علوم اجتماعی «واقعیت عربان» نداریم یعنی واقعیتهایی که از هرگونه معنایی خاص فرهنگی عاری و فارغ باشد»

(لیتل،<sup>۱</sup> ۱۳۸۸، ص ۱۱۴)، در نتیجه دین‌پژوهی بر مبنای واقعیت عربان امکان ندارد و به‌طور عمده زمینه دین‌پژوهی مطالعه آیین، مناسک و مراسمی است که دینداران انجام می‌دهند. نگاه محقق الهیاتی نیست، بلکه «توصیف» قمه‌زنی است. مصاحبه‌شونده‌گان در توضیح فرایند ایجاد شور برای قمه زدن می‌گویند:

«من از بچگی که می‌رفتم می‌دیدم قمه‌زنان را، منم می‌خواستم یکی باشم که عاشورا، من هم آگه بودم سرم را می‌دادم، یک قطره خون که چیزی نیست، راه کربلا باز شده میرم تو حرم امام حسین (علیه السلام) می‌زنم. انشاءالله همین امام حسین (علیه السلام) دستمون را بگیرد» (نام محفوظ).

چنین فردی به قصد تقرب عمل خونریزی را انجام می‌دهد، بدهی به گردن خود می‌داند، قالب عمل، عبادی و یا نذر است. پس فرهنگ قمه‌زنی بیشتر وابسته به شرایط محیطی است، و دوام و تغییر آن مشروط به تغییر فرهنگ است. محرک قمه‌زنی شور و احساس است. گیرتز معتقد است «تغییر بدون کار فرهنگی انجام نمی‌شود». (گیرتز، ۲۰۰۰، ص ۶۲) قمه‌زنی کنش متقابل اجتماعی انگیزه‌ای از شرایط ویژه‌ای است و به گفته مارکس: «افراد تاریخ خود را می‌سازند؛ اما نه آن‌گونه که خوشایند آنها باشد؛ آنها نه تحت شرایطی که خود انتخاب می‌کنند، بلکه تحت شرایطی که مستقیم با آن مواجه می‌شوند یا از گذشته به آنها رسیده است، تاریخ را می‌سازند» (مارکس، ۱۸۵۱، ص ۳۰۰، به نقل از مردیها، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳). شخصی که آیین خونریزی را به جا می‌آورد آن مقدماتی که او را به تصمیم و اقدام رسانده است خودخواسته نیست، بلکه در چنان فضایی واقع شده است که ملزم به قمه زدن می‌شود چون‌که در این وضعیت زدن برایش ارزش و نزدن ضد ارزش است. پس لازم می‌آید شرایطی که قمه‌زن را، قمه‌زن کرده است، با تغییر شرایط از راه تغییر فرهنگ و آداب به ترک کند. مطهری معتقد است «محیط زندگی انسان در افکار وی دخیل می‌باشد و اختلاف معلومات و افکار با اختلاف منطقه و محیط زندگی حتی در یک فرد انسان به حسب دو زمان و به موجب اختلاف شرایط، روشن و غیرقابل انکار است» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴) و چون مناسک جزء اصول ثابت نیست به گفته ایشان: «ادراکات اعتباری براساس اصل انطباق با محیط» دگرگون می‌شوند» (همان، ص ۱۴۷) و «ادراکات اعتباری تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند» (همان، ص ۱۴۴). در نتیجه تا وقتی قمه‌زدن به مثابه نذر، عمل مقدس، شفاعت‌بخش، عبادتی قرب‌آور و عملی مندوب پنداشته می‌شود، شخص حاضر به تغییر و یا ترک چنین عملی (با قید قدسی بودن) نیست. کارگزار، قمه‌زدن را عین عمل به دستور دین، و منع‌کننده را عین دین ستیز می‌پندارد؛ و در این حال چگونه شخص دیندار حاضر به ترک عمل دینی (با قید دینی بودن) می‌شود! و در همین رابطه، در خلال مصاحبه با

1. Little, Daniel

فردی روبه‌رو شدم که در محیط فرهنگ قمه‌زنی بزرگ شده بود و به محض اینکه درخواست مصاحبه در این باره کردم بسیار با غضب و ناراحتی چهره در هم کشید و حاضر نشد حتی معنای قمه زدن را برای من توضیح بدهد و این عمل را چندان مقدّس می‌دانست که تحقیق و سخن گفتن درباره آن را نیز نوعی تشکیک و سستی در اعتقاد به قمه‌زنی می‌دانست. درباره احساس و یا فکر، کلیفورد گیرتز به نقل از لانگر<sup>۱</sup> معتقد است: «ما نه تنها به موجب فکر و تصوّرمان احساس داریم، بلکه جان‌مایه احساس را داریم» (گیرتز، ۱۹۷۳، ص ۸۱). پس فرهنگ محیطی است که احساس را با همه تنوعش در مناسک‌گزار ایجاد می‌کند و در واقع «ما توان طراحی هواپیما را در تونل باد به دست می‌آوریم؛ ... و یک کودک پیش از اینکه اعداد را «در ذهنش» بشمارد با انگشتانش می‌شمارد و عشق را پیش از اینکه «در قلبش» حس کند با پوستش احساس می‌کند. نه فقط باورها، بلکه احساسات و عواطف نیز در انسان، مصنوعات فرهنگی‌اند (همان). بنابراین احساس زاینده فرهنگ محیطی است و تغییر نمی‌کند مگر با تغییر فرهنگ و چون فرهنگ و تغییر در ساختارهای اجتماعی واقع‌اند گیرتز معتقد است: «برگزاری آیین موجب تقویت ساختار اجتماعی است» (گیرتز، ۱۹۷۳، ص ۱۴۸). پس قمه‌زدن به زعم کارگزار، به‌طور مستقیم در تحکیم و تقویت ساختار اجتماعی و فرهنگ دخیل است و با چنین باوری قمه می‌زند. بنابراین تغییر نیز به‌طور مستقیم انجام نخواهد شد، بلکه در نقطه‌ای انجام می‌شود که شبه-تمایل ایدئولوژیکی به همدیگر دارند و از ناحیه تغییر بر حسب هم‌جواری فیزیکی نیز در آن آیین رسوخ کرده و تغییر عملی خواهد شد. در نتیجه، تغییر برآیندی است از جابه‌جایی در عناصر فرهنگ که طیف گسترده‌ای از پارامترها و عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ را شامل می‌شود. در گفتگو با فردی با سابقه ۴۵ سال قمه زدن چنین می‌گوید: «از بچگی وارد قمه‌زنی شدم، پدران «نگفتن» این کار را بکنیم. من به اونها «نگاه» کردم و من هم قمه زدم. تا اینکه امام خمینی رحمته‌الله «فتوا» دادند دیگه ترک کردم» (نام محفوظ) و همین فرد در پاسخ به پرسش از عامل انگیزش او می‌گوید: «نگاه کردن به بزرگ‌ترها، حس ما همین بوده است». پیرمردی در بازار خمینی شهر در کنار مسجد مشغول به میوه‌فروشی بود، از او پرسیدم حسّت درباره قمه‌زنی چیست می‌گوید: «اول بچگیم صدای قمه‌زنا که می‌آمد تو صندوق خونه‌های سابق قایم می‌شدم، نمیدونم چرا دلم انقلاب می‌شد، همچی که می‌رفتند، می‌اومدم بیرون از صندوق خونه؛ اما حالا خدا دل بهم داده، میام توشون، گیریه می‌کنم، اما قمه تا حالا نزده‌ام، این بچم می‌زنه، اون بچم می‌زنه، اون بچم می‌زنه، سه تا بچه دارم (یعنی سه تا پسر) می‌زنند. نوه‌هایم هم می‌زنند. من نمی‌زنم. من تا حالا نزده‌ام. سر و جونم فدای امام حسین علیه‌السلام» (نام محفوظ). در ادامه می‌گوید: «یه نفر پیرمرد تو همین مسجد چایی می‌ریخت می‌گفت: من هفت هشت روز

1. Clifford, Geertz / Susanne Langer



جلوی عاشورا (این سرّما! لیر می خوره) لیر می خوره، تا قمه نزنم چیطور می شه؟! حال نیمیاد (یعنی وقتی قمه زدم سرم راحت میشه). این سرم لیر می زنه به وقت قمه زنی!! این سرم لیر می زنه. این حج علی پیرمرد این حرف‌ها را می زد (پرسیدم الان هست گفت نه اوه! اوه! یعنی مدت زیادی است مرده). لیر می زنه! آره دیگه شور داره. آقای عزیز! این ده روز محرم شب و روز بازارا، همش انقلابه، چی چی! بازارا! یه شوری دیگه داره. آدما یه تبی دیگه دارند. چه رقم برند! چه رقم بیاندا! دلشون سیاه پوش است، اشتباه نشه‌ها! هر کی هم دلش حسینی باشدا! (هنگام گفتن این مطالب اشک در چشمان پیرمرد جاری است و گریه می‌کند) یعنی در دل عاشقان حسین شور ایجاد می‌شود. (پرسیدم: من می‌خوام بدونم چه جور ی اون شور را پیدا می‌کنه؟) گفت: «دلش می‌شکنه». یعنی احساس، یعنی شور مناسک محرم تأثیر احساسی وصف ناشدنی دارد. به شکلی که سر شوریده چنین افرادی متلاطم است و تا قمه نزنند راحت نمی‌شود. برای تغییر یک فرهنگ به یکباره همه چیز عوض نمی‌شود. نخست نام‌ها، اسم مکان‌ها، ابزارها و ذائقه‌ها عوض می‌شود و به دنبال آن تغییر حتمی است. کلیفورد گیرتز می‌گوید: «وقتی ریشه‌های تغییر در یک جامعه مانند جامعه مردم پار (Pare) یکی از شهرهای کشور اندونزی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم ریشه و تغییرات در آن را فرهنگی می‌بینیم که آن را در چند مؤلفه خلاصه می‌کنیم: خانه، مراسم، باورمندان، تعطیلات، مردم، رهبران، نجبا»<sup>۱</sup> (گیرتز، ۲۰۰۰، ص ۶۲). بر این اساس «یک الگوی زندگی نظام‌یافته اجتماعی جدید برحسب یک شبکه جایگزین طبقه‌بندی فرهنگی شکل خواهد گرفت» (گیرتز، ۱۹۷۳، ص ۱۵۰). پیش از این اشاره شد که برپایی آیین همیشه همراه با رنگ و بوی متأثر از شرایط فرهنگی شامل عوامل فرهنگی، جغرافیایی، طبیعی، قومی، نژادی، گویش‌ها، خلق و خوها و بسیاری از مفاهیم دیگر است. پس قمه‌زنی به اعتقاد قمه‌زنان، آیینی است که کارگزاران را به جنب‌وجوش منحصر به فردی وا می‌دارد و تا وقتی بدان پایبندند آن را حرکت آفرین و مؤثر در تحکیم و تقویت ساختار اجتماعی و فرهنگ می‌دانند.<sup>۲</sup> فرهنگ محیطی بر فرد اثر می‌گذارد. درون شخص آیین‌گزار پر از شور و احساس می‌گردد و مشتاق است این شور و احساس خویش را بیرونی کند و نمایش بدهد چه در قالب قمه زدن در آن فضایی که زندگی می‌کند و چه در قالب سینه و زنجیر و دیگر آیین عزاداری و سوگ محرم.

#### 1. Gentlefolk

۲. لازم به دانستن است که نقد چنین باور و رفتاری در قالب آیین دین جای بحث جدی و عمیق است. از این‌رو بدان پرداخته‌ایم؛ زیرا «انسان‌شناسی دین» جدای از حوزه «الهیات» است و باید در چارچوب الهیاتی و با مجال مناسب بدان پرداخته شود.

## تعزیه (شبیه خوانی)

تعزیه، مناسک نمادین با استعداد بازنمایی واقعیت‌هایی است که با چیز دیگری غیر از نمایش قابل بیان نیست. در آیین تعزیه محرم شاهد اشک، اندوه، حال و هوای کربلا، و بازنمایی واقعه عاشورا هستیم. در این نمایش نقش‌ها تا اندازه‌ای واقعی پنداشته می‌شود. بدین خاطر «مخالف‌خوان» چندین بار اعلام می‌دارد که «نه من شمرم نه اینجا کربلاست» اما باز هم تماشاگران حسّ واقعی «این همانی» به خود می‌گیرند و می‌پندارند صحنه تعزیه، صحنه واقعی کربلاست. خاصیت آیین شورانگیز و احساسی تعزیه انتقال افراد به افق شبه‌واقعی و بازنمایی شده است، که در آن حسّ و حال ویژه و نزدیک به واقع می‌یابند. بازیگران صحنه تعزیه می‌گویند پیشکسوتان این هنر به ما سفارش می‌کردند: «نقش را «بازی» کنید، تا توی مغز بچه‌ها جا بگیرد» (نام محفوظ) و درباره اقسام این نمایش می‌گوید: «ما گذر به گذر تعزیه می‌خواندیم و رد می‌شدیم» و برخی دیگر «در بعضی محل‌ها ثابت و در حسینه» خوانده می‌شود. هرچند تعزیه نوعی هنر و «نمایش جمعی»<sup>۱</sup> است؛ اما غالب تعزیه‌خوان‌ها بر حسب علاقه و استعداد «نقش» بازی می‌کنند نه بر اساس تخصص؛ و کسی که ۶۵ سال تعزیه خوانده می‌گوید: «یه نوه دارم می‌گم بیا نقش عبدالله را بخون می‌گه من نمی‌خوام تعزیه‌خوان بشم، ... خودشون اومدن این بچه‌ها». تعزیه‌خوانان بر جنبه «نقش»، «بازی» و «علاقه‌مندی» در تعزیه، عناصر انگیزاننده حسّ بصری و عامل انتقال مفاهیم به مخاطبان تأکید کردند. نقش و بازی، با حسّ به‌طور مستقیم در ارتباطند، و مخاطب را به واقعیت‌های نهفته در پس نقش‌ها انتقال می‌دهند و حالشان تحت تأثیر واقع می‌شود. در نتیجه از گفته‌های بازیگران و تماشاگران نمایش تعزیه، چنین به دست می‌آید که تعزیه:

۱. موجب بازتولید احساس باورمندان به واقعیت‌های دینی است؛
۲. اسطوره‌های دینی را روحمند می‌سازد؛
۳. تعزیه با معنا کردن نمادها آنها را زنده نگه می‌دارد؛
۴. هم‌گرایی اجتماعی در میان دینداران به وجود می‌آورد؛
۵. آستانه تحمل وقایع تراژیک، را بالا می‌برد؛
۶. با پویاسازی تاریخ، تمرین آمادگی دینداران در مدیریت بحران را می‌آموزد؛
۷. با شبیه‌خوانی، هم‌ذات‌پنداری را به شکل عینی به مخاطب القا می‌کند؛
۸. بستری است برای بازنمایی عمیق و بادوام دین از راه نمایش؛
۹. کاربرد رنگ، با تأثیر نمادینش بر بیان مفاهیم (جنگ، صلح، غم، شادی، تسلیم) در تعزیه جایگاه ویژه دارد؛

۱۰. کاربرد ابعاد مختلف هنری (طراحی لباس، چهره و نقش) با جذابیت ویژه برای مخاطب، نوعی پارادایم‌سازی است، مثلاً چهره خشم با رنگ تند و چهره مهربانی با رنگ ملایم و حتی با نشان دادن خشونت و ظلم با صدای خشن و گوش خراش، و مظلومیت با صدای نرم و حزین. پارامترهایی هستند که آیین تعزیه را به عنصری نیروبخش و حرکت‌آفرین تبدیل ساخته است و رابطه شور و احساس در آیین محرم با حرکت و نقش‌آفرینی چنین هویدا است؛

۱۱. تعزیه، عمل هرمنوتیکی و تفسیری بازیگر است که تماشاگر را در افق زمان، مکان و کاراکتر اصلی قرار می‌دهد و موجب احساسی شدن و انگیزه‌شده شدن افراد است و این خاصیت نمایش اجتماعی است که «این زمانی» و «این مکانی» بودن را برای تماشاگر فراهم می‌کند به حدی که تماشاگر با وجود اینکه می‌داند کاراکترها در حال نقش بازی کردن هستند؛ اما حس واقعی به خود می‌گیرد؛

۱۲. در آخر تعزیه فرهنگ دینی به شیوه الگوی (از) بودن<sup>۱</sup> را بازتولید می‌کند، و الگوی (برای) و شدن<sup>۲</sup> را به دینداران می‌نماید و در نتیجه دیدن نمایش، مشاهده‌گران به هم‌ذات‌پنداری و همانندشدن تشویق می‌شوند. نتایج بیان شده از گفتگوی با بازیگران و تماشاگران تعزیه به دست آمده است. بازیگر می‌گوید: من نقش موافق را بازی می‌کنم و تاریخ و شخصیت‌های تاریخی موضوع تعزیه را برای تماشاگر بازنمایی می‌کنم و در نتیجه به‌طور مستقیم حس هم‌ذات‌پنداری با مظلوم و بی‌زاری از ظالم در بیننده تقویت می‌شود و نتیجه آن هم در حین اجرا و پایان نمایش به‌طور کامل روشن و قابل مشاهده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله عناصر «شور» و «احساس» در آیین محرم، بازنمایی شد. انجام این تحقیق به روش «کیفی»، همراه با شیوه «مشاهده مشارکتی» طولانی از سوی محقق و گردآوری اطلاعات از شیوه گفتگو / مصاحبه با آیین‌گزاران مورد تحقیق واقع شد. به اقتضای پیچیدگی فهم معنای آیین، محقق تلاش کرد تا روشی مناسب برای فهم عمیق‌تر از معنای مناسک شورانگیز برگزیند. از این‌رو چارچوب نظری «تفسیری» کلیفورد گیرتز<sup>۳</sup> را برای کشف ارتباط‌های معنایی در کنش‌های دینی به کار گرفت. همچنین واحدهای تحقیق عبارتند از: سیاه‌پوشی، سینه‌زنی، زنجیرزنی، قمه‌زنی و تعزیه. محقق تلاش کرده «توصیف عمیقی» از معنای آیین شورانگیز ارائه دهد، که نتایج زیر به دست آمد:

1. model of

2. model for

3. Clifford Geertz

۱. «وجود شور، احساس، عاطفه و هیجان در مناسک محرم به دلیل ماهیت جمعی آن نقطه قوتی در ایجاد انسجام، هم‌گرایی، هم‌بستگی و انتقال فرهنگ دینی است»؛
  ۲. «فرهنگ محیطی در ایجاد شور و احساس در آیین محرم نقش اساسی دارد»، زیرا ویژگی نمایشی بودن آیین، موجب سرعت در انگیزتن عواطف و احساسات برای تصمیم به اقدام و انجام آیین می‌گردد؛
  ۳. «فهم معنای آیین و نقش عناصر «شور» و «احساس» در آن، فهمی فرایندی و پیچیده است»، از این‌رو نیازمند «فهم تفسیری» و «توصیف عمیق» از آیین است و با نگاه سطحی‌نگر معنای لازم از «شور» و «احساس» در آیین به دست نمی‌آید؛
  ۴. «مناسک، دین را در زندگی مردم به جریان وامی‌دارد و به تقویت ارزش‌های مشترک، تجدید قوا، تقویت روحیه، افزایش نیروی بازگشت به جامعه، احساس نیرومندی و اعتماد و حس هم‌بستگی می‌انجامد»، چون که آیین وجهه عملی دین، و دین زیسته شده است و در حالت مفروض، معرفت به دین ملموس‌تر از جنبه نظری حاصل می‌شود.
- برخی از مصاحبه‌شوندگان اذعان کردند که: (عامل مؤثر در انگیزش و اقدام در آیین شورانگیز، فرهنگ محیطی است)؛ از این‌رو پیشنهاد می‌شود به نقش فرهنگ محیطی در فراز و فرود آیین شورانگیز محرم در قالب دین‌پژوهی توجه شود (نک. مارت، ۱۹۱۴، ص ۳۱).
- به‌عنوان مثال نظر مارت<sup>۱</sup> برخلاف عقل‌گرایان این است که «فعالیت مذهبی و مناسک‌آمیز مستقیم از عواطف سرچشمه می‌گیرند و نه از باورداشت‌ها». چون اساس کار در فهم و تبیین دین کنش مناسک‌آمیز است. چنانچه می‌گوید: «دین ابتدایی بیشتر با رقص بیان می‌شود تا با اندیشه» (همان).

---

1. Marrett, R. R

## منابع

۱. آقاجانی، حسین و سوده جعفرزاده (۱۳۹۱)، درآمدی بر مردم‌شناسی: نماد، نشانه، هنر و ضرب‌المثل‌ها، تهران: علم.
۲. آوینی، سیدمرتضی (۱۳۷۲)، «بیان تمثیلی یا سمبولیک»، سوره اندیشه، دوره اول، تیر و مرداد ۱۳۷۲، شماره ۵۲ و ۵۳، ص ۶-۱۲.
۳. قربانعلی‌پور، وحید، سال دفاع ۱۳۸۵، بررسی کفایت تبیینی نظریات امیل دورکیم و پیتروال. برگرد در مورد رفتارهای مذهبی به خصوص مراسم عاشورای شهر رشت در محرم سال ۱۳۸۳، دانشگاه گیلان، ارشد.
۴. بشیر، حسن (۱۳۹۰)، تعزیه: از مجموعه «مفاهیم بنیادین علوم انسانی و اسلامی»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۵. بلیکی، نورمن (۱۳۹۳)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۶. پورحسن، قاسم (۱۳۹۲)، هرمنوتیک تطبیقی بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب، ویراست و افزونه دوم، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۷. حسن‌زاده اصفهانی، مهدی، سال دفاع ۱۳۸۸، جامعه‌شناسی پدیداری مناسک عزاداری در مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ارشد.
۸. جعفری، محمدرضا (۱۳۷۶)، فرهنگ فشرده انگلیسی-فارسی، تهران: نشر فاخته.
۹. جمشیدیه‌ها، غلامرضا و علیرضا قبادی (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا»، مجله تاریخ اسلام، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۳۰، ص ۳۷-۶۰.
۱۰. خدابخشی، سمیه (۱۳۹۴)، تحلیل و بررسی نمادهای تصویری عزاداری در دوره صفوی و قاجار، زرین‌شهر: دهلاویه.
۱۱. دانشنامه آزاد (نوستالژی) (<https://fa.wikipedia.org/wiki/>).
۱۲. دورکیم، امیل (۱۳۹۳)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه: باقر پرهام، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
۱۳. راهگانی، روح‌انگیز (۱۳۸۸)، تاریخ نمایش، تئاتر و اسطوره در عهد باستان، تهران: نشر قطره.
۱۴. رحمانی، جبار (۱۳۹۲)، تغییرات مناسک عزاداری محرم (انسان‌شناسی مناسک عزاداری محرم)، تهران: تیسرا.

۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، مناسک عزاداری محرم، ج ۱، (مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی)، تهران: خیمه.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، مناسک عزاداری محرم، ج ۲، (مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی)، تهران: خیمه.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۸۳)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۸. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه بر پایه» (گراند تئوری *GTM*)، تهران: نشر آگاه.
۱۹. فکوهی، ناصر (۱۳۸۶)، «نگاهی به رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تأکید بر تفسیر او از پدیده دینی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱، ص ۱۰۳-۱۲۴.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، تاریخ نظریه‌ها و اندیشه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، مبانی انسان‌شناسی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
۲۲. فی، برایان (۱۳۸۹)، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ص ۹۸.
۲۳. کاهیرده، نسیم (۱۳۹۴)، عاشورا مناسک معنا (مجموعه مقالات جامعه‌شناختی پیرامون مهم‌ترین مناسک معنا بخش به حیات شیعیان)، تهران: خیمه.
۲۴. کاهیرده، نسیم و مهری بهار (۱۳۸۹)، «تحلیل گونه‌های گفتمانی متأثر از محتوای مناسک عاشورا (از خلال تحلیل گفتمان نشریات مرتبط با موضوع عاشورا)»، دو فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۵، ص ۱۵۷-۱۷۴.
۲۵. کرمی‌پور، الله‌کرم (۱۳۹۰)، «روش و رویکرد کلیفورد گیرتز درباره دین و فرهنگ»، فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۲۴، ماه، ۳، ۲، ۱، ص ۱۵۳-۱۷۵.
۲۶. گوردون، رابرت؛ اندرو لاینز و هریت لاینز (۱۳۹۳)، انسان‌شناسان بزرگ، گروه مترجمان زیر نظر، ناصر فکوهی، تهران: نشر گل آذین.
۲۷. لیتل، دانیل (۱۳۸۸)، تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم الاجتماع، ترجمه: عبدالکریم سروش، تهران: انتشارات صراط.
۲۸. مرادی، هاشم، سال دفاع ۱۳۹۲، مطالعه تغییرات مناسک عزاداری ماه محرم شهرستان طبس در سه دهه گذشته، دانشگاه تربیت معلم تهران، ارشد.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، پانزده گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. همیلتون، ملکم (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: نشر ثالث.

31. Frijda Nico H. (Editor) (2000), Antony S. R. Manstead (Editor), Sacha Bem (Editor), *Emotions and Beliefs: How Feelings Influence Thoughts*, 1st Edition, Cambridge University Press.
32. Geertz, Clifford (1973), *the interpretation of cultures*, Basic Books, New York.
33. Geertz, Clifford (2000), *key temporary thinkers: culture, custom and ethic*, Fred, Inglis/Polity Press.
34. Geertz, Clifford (1971), *Islam Observed Religious Development in Morocco and Indonesia*, University of Chicago Press
35. Geertz, Clifford. (1984), *Cultural and Social Change: the Indonesian Case*. Man 19: 513-32.
36. Geertz, Clifford. (Ed.) (1974), *Myth, symbol, and culture*, W. W. Norton, New York.
37. Hutchison Emma, (2016), *Affective Communities in World Politics: Collective Emotions after Trauma*, Cambridge University Press.
38. Levinson, David (Editor), Peter F. Jorgensen (Editor), James J. Ponzetti (Editor) (1999), *Encyclopedia of Human Emotions* (2 Vols.) 1st Edition, MacMillan Reference Books.
39. Marrett, R.R. (1914), *the Threshold of Religion*, London: Methuen.
40. Planalp Sally, (1999), *Communicating Emotion: Social, Moral, and Cultural Processes*, 1st Edition, Cambridge University Press.
41. Ricoeur, Paul, *The Task of Hermeneutics*, *Philosophy Today*, Volume 17, Issue 2, summer 1973.
42. Turner, Victor ( 1969) (1966), *the Ritual Process: Structure and Anti-Structure*, Ithaca, N.Y.: Cornell University Press.
43. Turner, Victor (1975a), *Dramas, Fields, and Metaphors: Symbolic Action in Human Society* (Symbol, Myth, and Ritual Series), Cornell University Press.
44. Turner, Victor (1975b), *Revelation and Divination in Ndembu Ritual*, Cornell University Press.
45. Von Scheve, Christian and Mikko Salmella, (2014), *Collective Emotions: Perspectives from psychology, philosophy, and sociology* (Series in Affective Science), Oxford University Press.